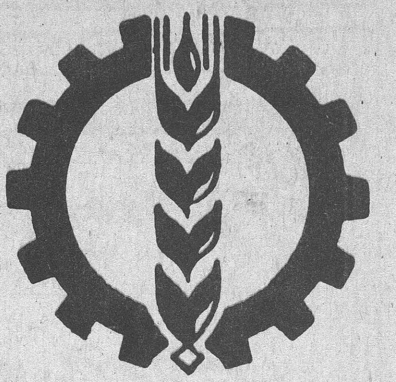


حقیقت انقلاب ثور

ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

سه‌شنبه ۳۰ سرطان ۱۳۶۰
JULY 21, 1981
شماره ۱۳۷
سال تاسیس ۱۳۵۹

رفقا ببرک کارمل وبریژنف درکریمیا دیدار نمودند

رفیق ببرک کارمل، منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان، که مصروف بازدید غیر رسمی در اتحاد شوروی میباشند، در کریمیا بارفیق لیونید بریژنف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونست و صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی ملاقات نمود.

به گزارش تاس از مسکو، لیونید بریژنف هنگام این ملاقات در مورد اوضاع فعلی بین المللی که اخیراً در نتیجه اعمال محافل امپریالیستی، در راس ایالات متحده امریکا، به اندازه قابل ملاحظه یی متشنج گردیده است مطالبی اظهار داشت.

رفیق بریژنف گفت: «این حلقه ها سیاست ماجراجویانه لطمه زدن بسر- دیتانت، گسترش جنون نظامی گری وتقویه مسابقات تسلیحاتی را تعقیب میکنند.»

رفیق بریژنف مخصوصاً به اوضاعی‌در منطقه خلیج تماس گرفته وبرمشخص‌مواقع بینی و حیاتی پیشنهاد های اتحاد شوروی در مورد عادی شدن اوضاع در این منطقه را که به بیست و ششمین کنگره حزب کمونست اتحاد شوروی ارائه گردید تاکید نمود.

همچنان رفیق ببرک کارمل در مورد انکشافات انقلاب ثور در افغانستان اهمیت بزرگ جبهه ملی پدروطن که اخیراً تشکیل گردید، پیروزی های قوای مسلح افغانستان در مبارزات شان بر ضد گروه های رهزن که از خارج فرستاده میشوند، استحکام موضع بین المللی افغانستان آزاد، مطالبی بیان داشت.

رفیق ببرک کارمل گفت: «مردم افغانستان مصمم اند جواب دندان‌شکن بهر گونه تلاشها ییکه برای تحمیل سیستم پوسیده فیودالی و امحای اهداف انقلاب ثور صورت میگیرد، بدهند.»



رفقا ببرک کارمل و لیونید بریژنف هنگام دیدار درکریمیا (تیلی فوتو)

جهات بین المللی اوضاع اطراف افغانستان را مورد ارزیابی قرار دادند.

آنها متذکر شدند که در نتیجه‌مداخله یکجانبه کشور های امپریالیستی نیرو های هژمونیستی‌و متحدین آنها‌موضوع حل سیاسی پرابلمهایی در ارتباط با افغانستان هنوز عملی نشده است.

در عین زمان یك راه حل امکان‌دارد و آن: پیشنهاد های اتحاد شوروی و جمهوری دموکراتیك افغانستان است که اساس خوبی برای حل اوضاع اطراف افغانستان‌شمرده شده میتواند.

رفقا لیونید بریژنف وببرك كارمل در مورد دوام تحکیم دوستی، همکاری و همبستگی بین المللی اتحاد شوروی و افغانستان به نفع مردمان دو کشور وبه نفع تحکیم صلح در منطقه و امنیت بین المللی، به صورت عموم ابراز خرسندی کردند.

ملاقات بین رفقا ببرك كارمل و بریژنف در فضای صمیمانه دوستی و تفاهم کامل متقابل صورت گرفت.

(ب)

باز هم یک دیدار دوستانه وپرثمر

بتاریخ بیست و ششم سرطان ملاقات با اهمیتی بین رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان ورئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیك افغانستان که مصروف بازدید غیر رسمی از اتحاد شوروی میباشد ورفیق لیونید ایلیچ بریژنف منشی عمومی کمیته مرکزی ح.ك اتحاد شوروی و صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد‌شوروی در کریمیا صورت گرفت. این دیدار دوستانه در فضای حسن تفاهم کامل رفیقانه‌وبرادرانه و بخاطر تشدید تلاش های دایمی در جهت‌تامین صلح‌و دیتانت‌ومبارزه علیه تمایلات شوم محافل‌جنگ طلب امپریالیستی و همدستان رنگارنگ آنها، صورت گرفت.

طی این دیدار دوستانه‌رفیق کارمل ضمن ارائه معلومات در زمینه رشد‌پروسه انقلابی در کشور ما که از نتایج درخشان آن‌یکی هم تشکیل جبهه ملی پدر وطن میباشد، اظهار داشت‌که: «مردم افغانستان مصمم اند جواب دندان شکن به‌هرگونه تلاش هایی که برای تحمیل سیستم پوسیده‌فیودالی و امحای اهداف انقلاب ثور صورت میگیرد، بدهند.»

درین دیدار برادرانه یکبار دیگر موضع صریح، عمیقاً انترناسیونالیستی‌وشجاعانه اتحاد شوروی بزرگ در قبال کشور ما، ابراز گردید.

دیدار اخیر رفیق ببرك كارمل ورفیق‌لیونیدبریژنف یکبار دیگر اهمیت دوستی‌بزرگ افغان - شوروی را بصورت برجسته و مشخص‌متبارز ساخته ووفاداری هر دو جانب را به اصول‌خدشه ناپذیر انترناسیونالیزم نشان داد.

در واقع دوستی بزرگی که‌خلقهای هر دوکشور را بهم پیوند میدهد با رشته های‌نیرومند و ریشه دار تاریخی که بر پایه اشتراك منافع‌حیاتی هر دو جانب استوار میباشد گره خورده است.

دیدار اخیر رفقا ببرك‌كارمل و لیونید بریژنف به یقین گام باز هم موثرتری‌را در جهت تحکیم هر چه بیشتر مناسبات برادرانه‌بین هر دوکشور تشکیل می دهد.

این دیدار به صورت‌اجتناب ناپذیری در جهت حل پرابلمهای موجوددرسطح‌منطقه و کشور ما که عمدتاً ناشی ازتمایلات و نقشه های شوم و خائنانه محافل ارتجاعی‌هژمونیستی و امپریالیستی میباشد، کمك خواهد نمود.

مردم ما به این دیدار های‌رفیقانه در سطح عالی بین‌رهبران‌هردو کشوراهمیت‌بسزایی قایل بوده وآنرا نمونه یی از پختگی، عمق‌و استحکام روابط دوستانه بین دو کشور میدانند.

ملاقات اخیر رفقا کارمل‌و بریژنف به یقین در تاریخ روابط دو کشور بمثابه یك‌حادثه مهم باقی خواهد ماند.

محافل تبلیغاتی جهان‌این دیدار را بحق یك حادثه مهم سیاسی ارزیابی نموده‌اند. ولی دشمنان افغانستان انقلابی با تغییر وارونه یی که طبیعتاً و همیشه درقبال جنبش ها و نیرو های انقلابی‌جهان دارند، درتلاش هستند تاباقلب واقعیت ها از اهمیت‌سیاسی این دیدار دوستانه بکاهند که یقیناً‌موفق نخواهندشد.

ما معتقدیم که این دیدارها در سطح عالی همواره به‌نفع تحکیم دوستی بین‌خلقهای هر دو کشور و امر صلح در جهان بوده و در بسامسائل بغرنج کنونی راه حل های مناسب را فراهم‌خواهد نمود.

ما این دیدار دوستانه‌بین رهبران هر دو کشور را بمثابه یکی از گام های جدید تحکیم مناسبات دوستانه بین هر دو کشور ارزیابی‌نموده و یقین داریم در آینده باز هم تکرار خواهد شد.

زنده باد دوستی بزرگ، بی شائبه و عمیقاً برادرانه موجود بین خلقهای هر دوکشور!

نبردی درچاشتگاه داغ

شیخ احمدسرباز: «راه‌مردم‌وراه‌انقلاب درخون‌ماعجین‌شده‌است»

چاشتگاهی بود داغ و تشنه کننده، فریاد زاری مانند زنی از لای در به بیرون سر کشید به تعقیب آن لگدی به قرآن خورد و به زمین افتاد و بعد هم فریاد اخ گفتن جوانی که در گلو خاموش شد فضای خانه را پر کرد و آنگاه لکه های خون روی خانه و دیواره ها را رنگ زد.

آدمکشان سه تن بودند. سه‌تن شریر، تند خو با چهره های‌وحشتناك ونفرت انگیز دستان کثیف شان با خون پاك جوانی آغشته و بروی لباس شان لکه های خون نشته‌بود. پای دیواری زیر سایه نشستند‌عرق کثیف از سروروی گردگرفته شان می‌چکید. آفتاب چاشتگاه داغ داغتر میشد. آن یکی که چهره شریرتر داشت کوله بار پشتش را بر زمین گذاشت گره آنرا بادندان کشود برق سفید زیورات نقره با اشعه آفتاب در هم آمیخت هر سه لبان ترك خورده شانرا لیسید ندو آن یکی که سر دسته این دو بسود دستش آهسته به طرف سلاح پیش رفت کارد خون آلود نزدیك دستش قرار داشت لحظه‌یی به آن همه نقرمو آن دوی دیگر دید چشمانش سرخ وخون آلود بود انگشتش به طرف ماشه رفت ولی به ماشه نرسیداز روبرو هر سه هدف گلوله قرار گرفتند آنکه سر دسته این دو بود پیش از آنکه به پهلو بغلتد چشمش به زنی افتاد که چند لحظه‌پیش قرآن بدست زاری میکرد، همان زنی که زندگی فرزند جوانش با دستان‌آلوده به خون آدمکشان قطع شد و قلبش چون مادران بیشماری داغدار گردید این همه خیلی زود واقع شد.

آنجا که مبارزه بین طلوع‌وغروب است این قصه ها زاده میشوند غروب، غروب کردنی است وطلوع طلوع میکند واین قصه ها جزخاطرات فراموش ناشدنی سربازان وسپاهیان انقلاب است. قصه ها مملواز‌واقعیت ها اند وواقعیت ها تلخ و دردناك. شیخ احمد سرباز داوطلب تولی اول قطعه نمبر یك خارندوی از جمله سرباز انیست که عازم ولایت وردك بودند تا مواد امدادی را به مردم آنجا توزیع نمایند.

او سرباز یست دلیر و رزمجو که در پیشگاه حزب و مردم سوگند مسؤولانه سپرده و هنوز گرد راه های دور وصحنه های هیجان انگیز مقابله با اشرار را در چهره دارد. در نگاهش شهامت ودر گفتارش دلیری وپایمردی موج میزند.

آنها صد تن بودند، صد تن روبین تن ودلاور. عناصر ضدانقلاب که چشم دیدن پیوند مردم باحزب و دولت را ندارند واز واقعیت زندگی هراسناك اند چون سگهای هار شده ولاشخور به قطار حمله‌بردند ولی سربازان دلیر خیلی زود به حسابشان رسیدند عده از این آدمکشان ترسو و بیرحم که تاب مقاومت نداشتند بخانه های دور و پیش پناه بردند ولی در آنجا زنان پیر مردان واطفال مثل مور و ملخ بسر شان ریختند و این وحشیان خرفوی را با خفت و خواری از خود راندند. اطفال با سنگ و چوب به آنها حمله میکردند و فریاد میزدند: «دگه از جان ما چی میخایی، پدره مارگرفتی، مادر ماره گرفتی!»

این صداها را هشان را بسوی سربازان باز کرد و آنان را دریافتن آدمکشان یاری نمود. آنان در زد و خوردی که‌با شر انگیزان سیه دل داشتند، سوگند میخورند که دربین آنان بیگانگان را دیده اند که عملا در کشتن مردم دست داشتند شیخ احمد میگوید: «آنها از ما نبودن، زبانشان زبان مانبود و چهره ها یشان چهره های دیگری.»

شیخ احمد با پنج تن دیگر از رفقایش در جستجوی منازل بر- آمدند. آنها دلاورانه با نیروی‌انسانی وبازو های پودلاین به مقابل دشمن میپرداختند. و قتی یکی ازچهره‌های منفوررا دستگیر میکردند زنان و اطفال هم بسویش هجوم میبردند زنی با سیخ داغ تنور بطرفش دوید گفت «بان که هر دو چشمشه کتای سیخ بکشم» وآنوقت گریسته بود گریه تلخ و روانسوز که تا مغز استخوان نفوذ میکرد.

شوهر آن زن‌را زنده زنده پیش رویش پوست کرده بودند. چشمانش را بیرون کرده وزن و اطفا لش‌این صحنه رادیده بودند.

زن گفته بود: «اوره بکشین، شوی جوانمه پیش چشممه واولادایمه کشتن. سرشه ازگردن جداکدن اوهمه چیزه ازما گرفت. پدر

(ص ٤)

همبستگی بین‌المللی با انقلاب افغانستان

جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکیا و جمهوری سوسیالیستی ویتنام پلان ها و اعمال نیرو های امپریالیستی وهژمونیستی را برای مداخله در امور داخلی افغانستان بشدت نکوهش کردند.

این موضوع در اعلامیه مشترکی پس از مذاکرات وزرای خارجه دو کشور در پراگ تذکر رفته است.

طرفین سیاست توسعه طلبی وهژمونیستی رهبری پیکنگ را در تبانی با ارتجاع و امپریالیزم بشدت تقبیح کرده آنرا منبع تهدید صلح و امنیت در جهان خواندند.

چکوسلواکیا وویتنام تدویر کنفرانس بین المللی در مورد کمپوچیا را نکوهش کرده اظهار داشتند که این عمل باعث مداخلات زیادی در امور داخلی کمپوچیا میگردد. طرفین اظهار عقیده کردند که صلح وثبات زمانی در جنوب شرق آسیا گسترش می‌یابد که اختلاف کشور های منطقه از طریق مذکره حل گردد.

(ب)

چلوصاف دروغ مقامات پاکستانی از آب بیرون شد

کمشنر عالی ملل متحد درپاکستان اعلام کرده است که رقم فراریان‌افغانی در پاکستان نسبت به آنچه رژیم اسلام آباد ادعا می کرده کم از کم چهل فیصد کمتر است.

منابع خبری بین المللی گزارش‌می دهند کمشنری عالی ملل متحدازاینکه کمك های سرازیرشده به پاکستان بنام به اصطلاح «مهاجرین افغانی» به جا- به مصرف نرسیده، وازطرف نظامیگران پاکستان حیف و میل میشود، اظهار نگرانی نموده است.

حکمرانان پاکستان، برای آنکه بتوانند پول های تخصیص داده شده را به جیب بیندازند، و اجناس وارد شده را جز مال و ملك خود سازند، در ثبت نام فراریان تقلب کردند این جعل کاری، کمشنری عالی ملل‌متحد در امور مهاجرین را مجبور ساخت‌بر حکومت اسلام آباد فشار وارد نمایدتا سر شماری از سر صورت گیرد.

اخیراً وزیر اطلاعات پاکستان با بر رویی خاص مقامات نظامی گر اسلام آباد، رسماً ادعای بیشرمانه درمورد رقم‌فراریان افغانی‌درپاکستان‌کرده بود. ولی حالاحکومت‌پاکستان‌وکمشنری عالی ملل متحد هر دو اعتراف میکنند که در این رقم بسیار بسیار مبالغه آمیز بوده است.

رژیم اسلام آباد، با عادی شدن اوضاع در جمهوری دموکراتیك افغانستان از یکطرف در دشمنی با مردم افغانستان فراریان را اجازه نمیدهد تا دو باره بوطن شان باز گردند و از جانب دیگر، برای موجه نشان‌دادن کمکهای خودبه این «فراریان» ظاهراً خواهان آن است تا جلو جعلکاری ها را در ثبت نام به اصطلاح مهاجرین بگیرد. و بهمین ارتباط برای اینکه‌جلو سرازیر شدن سیل پول و کمکها به پاکستان بنام فراریان افغانی گرفته نشود، چند مامور پائین رتبه خود را، که مسوول تقسیم اموال امدادی دربین فراریان بودند، گویا مواخذه نموده است. تا افکار عامه جهانیان و موسسات امدادی بین المللی را فریب دهد.

بطورمثال، نماینده کمشنری عالی ملل متحد دریك کمپیکه اسمای بیست و پنج هزار نفر در آن ثبت گردیده بود بعد از تحقیقات دریافت که در آن کمپ بیش ازسیزده هزارنفروجودندارد.

مسلم اینست، پاکستان که ازمدت مدیدی به اینسو داد وفریاد را علیه حکومت و مردم افغانستان براه انداخته و سطح تسلیح نظامی خود را برای به مشکل قرار دادن کشور های همسایه به حد نهایی رسانیده تا هنوز رقم درست فراریان افغانی را اعلام نکرده است، زیرا اگر این کار صورت گیرد، پرده دیگری از چهره نظامیگر پاکستان بر می افتد.

(ب)

امپریالیزم امریکا، پاکستان رابرای تجاوز به همسایگانش مسلح می سازد

هیات نظامی پاکستان برهبری جنرال رحیم خان سکرتر جنرال‌وزارت دفاع آنکشور که روز جمعه گذشته مسافرت خود را از واشنگتن خاتمه بخشید، با فرانك كارلوسی معاون وزارت دفاع وجیمز بکلی معاون وزارت خارجه در مورد تهیه اسلحه عصری امریکا به رژیم اسلام آباد به قیمت سه هزار ملیون دالر در ظرف‌پنجسال آینده مذاکراتی انجام داد.

بەگزارش خبرگذاری ها از واشنگتن، طرفین در مورد فراهم آوری طیارات جت‌جنگی‌اف-۱٦ به‌پاکستان به توافق رسیدند.

همچنان طرفین در مورد تهیه تانك های عصری نوع ام-٤٨ تانکهای‌عصری ام - ٦٠ که همین‌اکنون در قوای‌مسلح امریکا به کار می رود توپ های دافع‌هوا، هیلیکپوتر ها، طیاره های‌حمل و نقل و سیستمهای مخابراتی به‌رژیم اسلام آباد نیز بحث کردند.

از اعلامیه نهایی که در پایان این مذاکرات انتشار یافت چنین استنباط میگردد که حکومت امریکا قاطعانه مایل است تا رژیم ضیاء الحق را به تجاوز علیه کشور های مستقل همسایه آن کشور به کار ببرد.

(ب)

برخی برداشت ها

مسئله انقلاب اجتماعی موضوعی به سادگی حل ستونی ازجدول کلمات متقاطع نیست. انقلاب اجتماعی، نسج بی نهایت پیچیده و بغرنج است. بغرنج نه بدانمعنی که نسج در خود فرو رفته، در خود و فی نفسه در تجریدات و انتزاعات خود است، بل ازآنروی که حل غامض ترین ومشکل‌ترین مسائل مربوط به شئون مختلف زندگی‌اجتماعی را،در دستور کار خویش دارد.

انقلاب، تمام مناسبات اجتماعی – اقتصادی کهن را درهم میشکند. تمام مناسبات و قید و بند های که توده های زحمتکش‌رادر منگنهٔ قساوت واستثمارفشار داده، تارومار میکند، تا مناسبات نوین ،شرایط نوین و انسان نوین‌بوجود بیاورد. که حل این مسایل در لحظه یی برابر پلك زدن میسر نخواهد شد، – این واقعاً دشوار است.

انقلاب به معنی واقعی کلمه برنامه های را که هر پدیدهٔ نوورشد یا بنده‌در مبارزهٔ علیه پدیده کهن و میرنده اجراء باید بکند، نمیتوانند ندیده بگیرد. زیرا خود امر نوی است که علیه یك ساختار کهن و متعفن قد بر افراشته است. وچه دشوار، – عناصر بالنده را در میان سلسله انبوه ساخت ها و نماد های کهن شناسائی نمودن و آنها را در سیستم نوین، هنرمندانه‌ترکیب دادن و امکان پیشرفت، بخشیدن!

– واقعاً دشوار است.

اینجاست که برای انقلابی، ضرورت پیوند با دو بعد هنر و اندیشه یا به زبان دیگر، علم و هنر مطرح میگردد. اما بدانسان که، مسئله هنر به صورت مسئله پراتیك و اندیشه و علم به شکل نهاد رهنما و سازمانده به کارزار میاید.

ما دامیکه میگوئیم ،تیوری بر بنیاد پراتیك ایجادمیشود ،پراتیك را رهنمایی میکندو به‌کمك تجربه غنا میابد و داور میشود، لابد درکنار بعدی بنام آگاهی یا دانش انقلاب با بعد هنری نیز مواجه میشویم .یعنی‌میخواهیم بگوئیم، که یك انقلابی آگاه باید هنرمند دقیق وتوانا، نیز باشد.

در ین چند جای که از هنر سخن گفتیم، بر شخاصی از هنر را در نظر داریم:

یعنی اینکه، منظور ما از تخیل شاعر غنایی و غیره برای باز ترسیم کردن احساس ها و دریافت ها، به روش شاعرانه آن، نیست – اینستکه چطوری میتوانیم اندوخته های فکری و خطوط تئوریك انقلاب اجتماعی را در عرصه‌های گونه گون مبارزهٔ طبقاتی عملا پیاده نمائیم.

مثالی میزنیم، پدیدهٔ نو در مبارزه علیه پدیدهٔ کهنه، باید دورهٔ جوشش نامحسوس دورهٔ تبارز اشکال، دورهٔ توازن قوا و دورهٔ کسب برتری خود بر پدیدهٔ کهنه را، از سر بگذارند. حالا درك این پروسه یك مطلب است ودر پراکسیون واوج این پروسه، موضع‌دفاعی یا تعرضی گرفتن، مطلب دیگر.

در طرح اول با یك برخورد عالمانه و در طرح دوم با برخورد هنرمندانه سروکار داریم. این دو موضوع محتاج به فراگیری دانش انقلابی و قریحه فطری و نسبی استند.

باز مثال میزنیم انقلاب ملی و دموکراتیك افغانستان به پیروزی‌رسیده است .و درین هم شکی نیست که از دورهٔ جوشش ضعیف، تبارز اشکار،توازن قوا و برتری های درخشان بر ضد انقلاب گذشته است ...اما این بدانمعنی نیست که تمام مقاومت ضد انقلاب‌درهم شکسته شده. دشمن هنوز دست و پا میزند، هنوز تلاش میکند، لیکن از یك موقف ضعیف و رو به‌زوال واینك تذکر باید داد، اگر به نابودی کامل ضد انقلاب ایمان واعتقاد راسخ داریم، صرفا نه برای آنست که، به‌موفقیت‌های‌چشمگیری درامر سرکوب و قلع و قمع دشمن دست یافته ایم، بل بخاطر آنستکه دشمن در ماهیت ریخت خود، داغان و رو به زوال است.

لیکن گیریم همین لحظه در همین سال ۱۳۶۰مقاومت ضد انقلاب در تمامت ابعاد اجرائی آن درهم کوبیده شد، آیا میشود فرضاً از مسائلی که در شرایط رشد بعدی جامعه مامیتوانند عمل شوند، بمعنی دقیق اجرائی آن صحبت کرد؟ آیا میشود شعار ها و برنامه های را که در شرایط استقرار کامل مناسبات اجتماعی اقتصادی نوین عملی میگردند، عملی‌نمود؟ مسلما پاسخ منفی است زیرا در شرایط و یژهٔجامعهٔ انتقالی با شکلی از حاکمیت توده یی همدوش استیم.

حالیا اگر بخواهیم در همین اوضاع آن گونه‌طرح های را که مصداق های عینی ای برای عمل ندارند تطبیق بنمائیم، نه تنها بی صلاحیتی خود را نسبت به جهانبینی علمی ثابت ساخته ایم، بلکه بعد هنر انقلابی ما در امر کاربست دانش انقلاب اجتماعی، نیز مسخ گردیده است.منتهی بااین تفاوت که‌این‌بی‌تجهیزی وبی صلاحیتی در یك تیاتر کوچك میتوانند تماشاچی را صرفا خسته بنماید اما وقتیکه عین مسئله در تیاتر عظیم زندگی اجتماعی و مبارزهٔ طبقاتی به تکرار بنشینند، نه تنها مغزشنونده را خسته میکند، که نیزچشم بیننده را از کاسه سر در میآورد.

در پایان باید گفت، اگر به صحت رهبری حزب و دولت بخصوص بعد ازدومین مرحلهٔ تکاملی انقلاب ثور ایمان آورده ایم و ایمان میآوریم، بخاطر آنستکه دانش انقلابی و تجربهٔ انقلابی را با هنر انقلابی، آگاهانه و هنرمندانه ترکیب داده است این حقیقت است، و حقیقت را باید پذیرفت.

(ا. مراویز)



پشتیبانی گسترده مردم از جبهه‌ملی پدروطن

مردم زحمتکش و آزاده ما با تدویر میتنگها و محافل در نقاط مختلف کشور، از جبهه ملی‌پدر وطن حمایت و پشتیبانی نموده با روحیه سرشار از احساس و وطنپرستی، آمادهٔاشتراك باین جبهه تاریخی و با عظمت اند.

طبق گزارشی ازشهر جلال آباد، بهمین مناسبت مو سفیدان، بزرگان و روحانیون ولسوالی گوشته ولایت ننگرهار، در یك گرد همایی در مقر آنولایت ایجاد جبهه ملی پدر وطن‌را در جمهوری دموکراتیك افغانستان‌یك رویداد عظیم و تاریخی خوانده و از آن قاطعانه پشتیبانی بعمل آوردند.

یار محمد خان و محمد هاشم خان دو نفر از بزرگان بنمایندگی از سایرین بدولت ملی و مترقی شان وعده دادند که با اشتراك درهٔ جبهه‌ملی پدروطن این‌دین بزرگ راادامی‌کنند.

همچنان فعالین حزبی اعضای سازمان های اجتماعی بزرگان وعدهٔ کثیری از زحمتکشان لوی ولسوالی شینوار ولسوالیهای‌مهمنددره، نازیان، اچین، و علاقه داری های مربوط آن ولسوالی محفلی مشابهی درمرکز لوی ولسوالی شینوار ترتیب داده بودند.

در محفل مولینا محمد زمان به نمایندگی از علما و روحانیون عبدالوهاب و فضل الحق بنمایندگی از اقوام و اتحادیه صنفی لوی ولسوالی یاد شده شرکت نموده گفتند:

«ما به حزب و دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان تعهد میسپاریم‌که تا آخرین قطرات خون خویش از دست آورد های انقلاب ثور به خصوص مرحله نوین‌و تکاملی آن حمایت ودفاع کنیم.

به همین ترتیب افسران و سربازان کندك نهصدو بیست سرحدی ولایت فراه طی میتنگی از تشکیل جبهه ملی پدر وطن حمایت و پشتیبانی کردند.

همینگونه افسران، سربازان وخردضابطان لوای کوماندو و قطعه «۸۸» توپچی و قطعه (۲۳۵) و کشف سترےدرستیز بابرگزاری محفلی از ایجاد جبهه ملی پدر وطن حسن استقبال کرده و در جهت تحقق آرمانهای این جبهه با عظمت و تاریخی آمادگی عام و تام شانرا تبارز دادند.

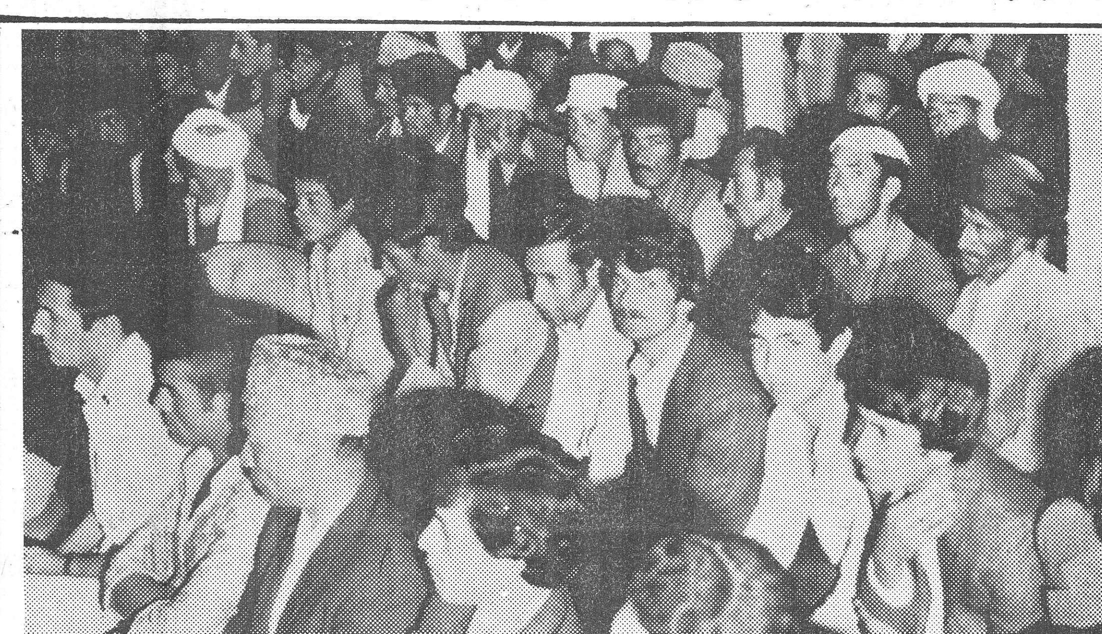
در این محفل رفیق تورن جنرال بابه جان لوی درستیز وزارت دفاع ملی نیزشرکت ورزیده باایرادبیانیه‌یی پیرامون اهمیت جبهه ملی پدر وطن روشنی انداخته و تاسیس این جبهه ملی را حادثه عظیم وتاریخی درتکامل جامعه افغانستان خواند.

همچنان رفیق تورن جنرال بابه جان لوی درستیز در محفلی شرکت نمود که افسران، سربازان و شاگردان حربی ښوونځی به خاطر پشتیبانی‌از جبهه ملی پدر وطن ترتیب داده بودند.

همچنان افسران و سربازان قطعه (۲۳٤) تحفظ کیمیاو قوماندانی دیپوی مرکزی کیمیاو اطفائیه طی یك گردهمایی از تشکیل جبهه ملی پدروطن استقبال نمودند که محفل مشابهی از طرف افسران و سربازان قطعه «۲۳۳» به اشتراك اهالی شرافتمندقلعه کاشف ،فاضل‌بیك و نیاز بیك ترتیب شده بود.

دراین‌محفل‌مدیرتبلیغ ترویج وآموزش ریاست عمومی امور سیاسی قوماندان قطعه «۲۳۳» و چند تن از افسران و سربازان آنجا به ارتباط تاسیس جبهه ملی پدر وطن بیاناتی ایراد نموده پشتیبانی کامل شانرا از جبهه ملی پدر وطن ابراز کردند.

(ب)



مردم ضمن محافل‌ومیتنگ‌ها از تاسیس جبهه ملی پدروطن استقبال نموده وپشتیبانی کامل شانرا از آن ابرازمیدارند.

نوشتهٔ محمدجان

انقلاب ثور در افغانستان

قسمت هفتم

نمایندگان حزب‌دموکراتیك خلق افغانستان تیوری های عوام فریبانه طبقه حاکمه را فاش‌وظیفه نیرو های مترقی ودموکراتیك را در مبارزه برای ایجاد حکومت دموکراتیك ملی معین میساختند.

این مسأله به طوروضاحت در بیانیه ی وکیل ولسی جرگه رفیق ببرك کارمل نماینده حزب دموکراتیك خلق افغانستان در ولسی جرگه در انتخابات دورهٔ سیزدهم شوری به نظر میرسد. رفیق ببرك کارمل گفته‌بود که «محافل و هیأت حاکمه افغانستان برای بقایای خود به مانورهای عوام فریبانه ای دست میزنند تا ازامواج خشم ونفرت مردم نسبت به دشمنان طبقاتی ایشان بکاهند و بر عقب ماندگی هلاکت بار اقتصادی وفرهنگی کشور سرپوش بگذارند .... در شرایط کنونی وظیفه ماست تا برای ایجاد یك حکومت ملی و دموکراتیك و خدمتگذار خلق و ساختمان‌جامعهٔ نوین دموکراتیك بیمهراس و در چوکات اصول‌شرایط مبارزهٔ‌سرسخت‌وپیگیر نمایم برای این منظور باید برای بسیج توده های مردم، افزایش نقش کارگران، دهقانان، اتحاد جوانان، محصلین روشنفکران و قشر های متوسط و در راه تامین اتحاد بین تمام نیرو ها و محافل دموکراتیك و ملی، ترقی خواه ووطنپرست کشور سعی فراوان مبذول داشت»

رژیم شاهی به آن معتقد گردید که اعتبارو پرستیژ حزب دموکراتیك خلق افغانستان در بین مردم روزتا روز افزایش میابد طبقه حاکمه در ترس آن بود که نمایندگان حزب دموکراتیك خلق افغانستان در انتخابات دورهٔ چهاردهم ولسی جرگه اکثریت آرا رابدست خواهند آورد و به همین دلیل طبقه حاکمه تلاش های را آغاز نمود تاازورود نمایندگان حزب در پارلمان جلوگیری نماید.

ارتجاع علیه حزب دموکراتیك خلق افغانستان.

تاثیر حزب در میان طبقه کارگر و جوانان و منورین مترقی که به دفاع از بهبود شرایط زندگی‌مردم در بیرون کشیدن کشور از عقب‌ماندگی اقتصادی و کلتوری بر می خاستند دایماً در حال‌افزایش بود. این مساله طبقه حاکمه ارتجاع داخلی و حامیان منافع امپریالیستی را به ترس و هراس می‌انداخت.

حکومت وقت بمنظور منصرف ساختن کارگران، منورین، محصلین و متعلمین مترقی از مبارزات انقلابی کوشش مینمود اقدامات موثر را روی دست گیرد. نمایندگان حکومت به آنها تلقین مینمودند که گویا خود رژیم شاهی اماده آنست که در تعمیل تقاضای آنها کمك نماید ولی آنها باید به سیاست سروکار رنداشته باشند. حکومت در هنگام رخصتی محصلین و متعلمین درسال ۱۳٤۷ قانون معارف وپوهنتون ها را طرح نمود که مطابق آن معلمین، محصلین، شاگردان از حق شرکت درمظاهرات سیاسی و بطور عموم در حیات سیاسی کشور محروم گردیدند. قانون مذکور مطابق قانون اساسی نبود و نارضایتی زیادی را در بین محصلین معلمین و متعلمین ایجاد می نمود. مظاهرات سه عقرب سال ۱۳٤۷ نارضایتی را در مقابل قانون معارف و پوهنتون ها شدت بخشید و چندی بعد در پوهنتون تظاهرات وسیعی علیه این قانون شروع‌گردید که بعدا به مظاهرات طولانی مبدل گردید. در مظاهرات معلمین نیز فعالانه شرکت نمودند. مظاهرات هنگامی ختم گردید که ولسی جرگه قانون معارف و پوهنتون را نپذیرفت و آنرا ردنمود.

فرکسیون حزب‌دموکراتیك خلق افغانستان در ولسی جرگه درمورد پذیرفتن ورد نمودن قانون ضد مردمی و ضد دموکراتیك معارف و پوهنتون ها فعالیت فعالانه و خستگی ناپذیر را بخرچ داده بود. لغو قانون را جع به منع شرکت محصلان، معلمان، شاگردان در مظاهرات سیاسی غلبهٔ نیرو های دموکراتیك و مترقی درمبارزه‌علیه عمال ضد مردمی رژیم شاهی بود.

حکومت وطبقه حاکمه در وجود تقویت تاثیر حزب دموکراتیك خلق افغانستان براذ ها ن مردم خطر مستقیم را برای موجودیت خویش میدیدند. آنها از طرق مختلف به تحکیم بیشتر صفوف حزب ممانعت می نمودند و توسط اجنت های خویش که شامل صفوف حزب میگردیدند کوشش می نمودند که حزب را از درون منحل نمایند. ارتجاع سیاه نوکران امپریالیزم با استفاده از محدودیت سیاسی و عدم معلومات و اطلاعات عامه مردم به هر بهانه فعالیت خویش را در مورد بدنام ساختن حزب دموکراتیك افغانستان تشدید بخشیدند آنها به این مقصد بهانه‌زمان مساعد را میجستند تا اختلافات را در میان اعضاء حزب‌دموکراتیك خلق افغانستان تعمیق بخشند و اعضای راستین و استوار حزب را بدنام سازند. باین منظور آنها صدمین سالگرد روز تولد رهبر پرولتاریای جهان لنین را مورد استفاده قرار دادند طوری که معلوم است طبق فیصله موسسه ملل متحد در سال ۱۳٤۹ باید در مقیاس جهانی صدمین سالگرد روز تولد لنین برگذار میگردید، حزب دموکراتیك خلق افغانستان و تمام نیرو های مترقی افغانستان از این روز با شکوه و جلال استقبال‌نمودند در سالگرد مذکور فعالیت های معینی انجام داده شده بود. بتاریخ بیست‌و دو اپریل ۱۹۷۰ روز نامه پرچم در دوازده صفحه بنشر رسید که در آن بیوگرافی و عکسها در مورد حیات و فعالیت لنین و هم چنین شعر در وصف لنین بچاپ رسیده بود. ارتجاع بعد از آن تبلیغات وسیعی را علیه لنین،شوروی و حزب دموکراتیك خلق افغانستان شروع نمود.

ولی فعالیت پیگیرانه و واقعبینانه حزب ارتجاع داخلی و خارجی را از امکان تقابل حزب دموکراتیك خلق افغانستان و مردم و .تضعیف تاثیر روز افزون‌حزب در میان زحمتکشان محروم ساخت.

در ارتباط با این فعالیت‌میتوان از گفتار منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق، افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیك افغانستان رفیق ببرك کارمل دربیانیه شان به مناسبت پانزدهمین سالگرد تاسیس حزب دموکراتیك خلق افغانستان یاد آورد که گفته اند:

(باقیدارد)

گذاشتن سلاح بر زمین

سعدالله و عصمت الله دو تن از سرکرده‌گان‌عناصرفریب‌خورده بنابردرك مشی اصولی حزب و دولت و براساس فرمان هیات رئیسه شورای‌انقلابی‌سلاح شانرا بر زمین گذاشته و خویشتن را به مقامات امنیتی ولایت هرات تسلیم نمودند.

مقامات امنیتی هرات از اقدام این اشخاص قدردانی نموده وآنهارا درجهت حفظ نوامیس ملی‌ومیهن متوجه‌ساختند.

رهایی ۱۵۲ نفر فریب‌خوردگان

بنابر سیاست بشر دوستانه دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان .یك صد و پنجاه ودونفر از کسانیکه‌فریب دشمنان انقلاب را خورده به اتهام دهشت افگنی و اخلال امنیت در هرات دستگیر و تحت نظارت قرار داشتند، رها شدند.

چند تن از رها شدگان ضمن ندامت از اعمال گزشته شان تعهد سپرد ند که درآینده فریب دشمنان را نخورده و در برابر آنها مبارزه خواهند کرد.

(ب)

خبرهای کوتاه

اولین جلسه عمومی کمیته مرکزی جدید حزب متحده کارگری پولندروز ۲۷ سرطان در وارسا خاتمه یافت.

اعضای این کمیته اخیرا از طرف اعضای حزب مذکور انتخاب گردیده‌اند. شرکت کننده گان کمیته مذکور دو نفر را برای اشغال پست منشی اول کمیته مرکزی حزب متحده کارگری پولند کاندید کرده اند.

این‌دونفر عبارت‌انداز ستانیسلا و کانیا منشی اول کمیته مذکور و گازی میرز بارسی کووسکی یکی ازشخصیت های دیگر حزب مذکور.

* * *

در تلگرامی که از طرف فیدل‌کاسترو رهبر کیوبا به مناسبت دومین سالگرد انقلاب‌مردمی نیکاراگوا به حکومت آنکشور فرستاده شده تذکرداده شده است‌که کیوبا کمکهای‌همه‌جانبه‌خودرا به نیکاراگواادامه‌میدهد این‌کمکها‌غرض اعمار مجدد کشور نیکاراگوا بحیث انجام وظایف مهم در نظر گرفته شده است.

وی تاکید نموده که باید از دست آورد های انقلاب نیکاراگوا در برابر دسایس ارتجاع داخلی و امپریالیزم ایالات متحده امریکا حمایت وجانبداری گردد.

* * *

کنفرانس همبستگی با عراق علیه صهیونیزم و امپریالیزم که در بغداد دایر شده بود خاتمه یافت.

در این کنفرانس هفتاد هیات به نمایندگی از احزاب سیاسی‌سازمان های اجتماعی ونهضت های مترقی‌کشور های مختلف جهان به شمول چهره‌های شناخته‌شده سیاسی، اجتماعی اشتراک ورزیده بودند.

* * *

کلارک کیسنجر ژورنالست امریکایی طی کنفرانس مطبوعاتی برخی ازاسناد سری فراریان ایرانی را افشاء کرده است.

اسناد متذکره از تدارکاتی برای یک کودتای نظامی در ایران که در غرب طرح ریزی گردیده و مستقیماً از طرف امریکا تنظیم شده بود پرده بر میدارد.

* * *

پولیس هند درحدود ۵۷ نفررهزنان طرفدار چین را بقتل رسانیده ودوصدو هفتادنفر دیگر را بازداشت‌نموده است.

فرانسپرس گزارش میدهد که این حوادث در ایالت اوترابردیش واقع در شمال هند در اثنای یکسلسله زدوخورد ها در نیمه اول ماه جون رخداد صورت گرفته است.

* * *

در حدود سه تا چار هزار نفر در اثر سیلاب در ایالت پر نفوس سیچوان چین هلاک و هزاران تن دیگر زخمی گردیده اند.

در اثر سیلاب متذکره بیش از یکصد هزار نفر بی خانمان شده اند.

* * *

اعمال رهزنانه جدید اسرائیل بر ضد لبنان وسیعاً موجب خشم مردم فرانسه شده است.

کنفرانس جهانی مسیحیان به پشتیبانی از فلسطینیها اعتراض شدید خود را علیه بمبارد قوای هوایی اسرائیل بر شهر بیروت ابراز داشته است.

انجمن همبستگی فرانسه وعرب گفته است اعمال تجاوز گرانه اسرائیل دربن اواخر تشنج را در شرق میانه بطور قابل ملاحظه یی افزایش داده است. (ب)

اخبار خارجی: واقعیت‌ها، حوادث

نباید تجاوزات اسرائیل را فقط نکوهش کرد باید جلو آن را گرفت

اسرائیل بر لبنان گلوله مرگ می بارد

تشدید تجاوزات اسرائیل بر لبنان نشان میدهد که رهبران تل ابیب می خواهند تا شرق میانه را در ورطه‌جنگ ویران کننده دیگری بیندازند.

شاذلی کلیبی منشی‌جامعه عرب طی بیانیه‌یی ضمن ابراز این مطلب از اعضای شورای امنیت سازمان ملل‌متحد تقاضا کرده که آراء خود را به تقبیح از حملات اسرائیل بر لبنان محدود نسازند. بلکه برای خاتمه‌دادن به این نوع حملات اقدامات عملی اتخاذ کنند.

وی متذکرشده که حملات مسلحانه اسرائیل بر لبنان صرف از برکت ارسال سیل آسای اسلحه امریکایی، به اسرائیل و حمایت نامحدود واشنگتن از تل ابیب امکان پذیر شده است.

قوای توپخانه اسرائیل شهرنبطیه ومناطق پر نفوس زهرانی، ارنون، حبرحبوش و عرب سلیم را در جنوب لبنان قرار دارد تحت گلوله باری قرار داده است.

در اثر گلوله باری ها و حملات هوایی اسرائیل بر شهر ها و قصبات لبنان در ظرف یک هفته گذشته چار صد نفر بقتل رسیده و یک هزار و یکصد و بیست و پنج نفر لبنانی و مهاجرین فلسطینی مجروح شده اند.

شورای جهانی صلح تجاوزات اسرائیل را علیه لبنان و مردم عرب فلسطین. شدیدا مورد تقبیح قرار داده و خواستار اقدامات فوری بین المللی از طریق سازمان ملل متحد برای‌خاتمه دادن به جنگ جنایت کارانه اسرائیل شده است.

در بیانیه یی که از طرف شورای مذکور در هلسنگی انتشار یافته گفته شده که تشدید تجاوزات اسرائیلی علیه فلسطینی ها و مردم لبنان به کشانیدن شرق میانه به یک جنگ دیگر منجر خواهد شدکه عواقب‌وخیمی برای صلح و امنیت در سراسر جهان خواهد داشت.

بیانیه خاطر نشان کرده که حمایت کامل نظامی، اقتصادی و سیاسی امپریالیزم امریکا ست که اسرائیل را به ادامه تجاوز و توسعه جویی‌لجام‌گسیخته قادر ساخته است.

به گزارش رویتر از بیروت مردم‌از جاهای که توسط حملات هوایی‌اسرائیل منهدم گردیده،مهاجرت مینمایند.

لبنان به سازمان ملل متحد اطلاع داده که در اثر حملات وحشیانه اسرائیل در ماکهانی، منطقه مجاور بیروت و همچنان در جنوب لبنان سه صد نفر بقتل رسیده و هشت صد نفر دیگر مجروح گردیده اند.

یک نطاق قوای نظامی فلسطین گفته است که جت های اسرائیل بالای پلیکه در قسمت جنوب شرق صیدا موقعیت دارد حمله نموده‌و بعدا شهر قاسمیه را در نزدیکی بندرصور بمباران نمودند.

نطاق قوای حفظ صلح سازمان‌ملل متحد گفته است که اسرائیل تا الحال ده پل راکه گذرگاه عملیاتی مبارزین فلسطین در جنوب لبنان بوده تخریب نموده و افزود که تماس قوای حفظ صلح سازمان ملل متحد که تعدادشان به ششهزار نفر میرسد تقریباً با تمام مناطق قطع گردیده است. (ب)

عرفات: «مبارزان فلسطینی تابستان مشکل و پر حادثه پیشرو دارند»

یاسر عرفات رهبر سازمان آزادی بخش فلسطین پیشبینی کرده، که تصادمات اخیر بین قوای اسرائیل و مبارزین فلسطینی در جنوب لبنان، به تشدید جنگ در ماه های آینده منجر خواهد شد.

عرفات این مطلب راطی مصاحبه‌یی باروزنامه «الثوره» بیان داشته است‌او هم چنان یاد آور شده که فلسطینی‌ها تابستان مشکل و پر حادثه پیش رو دارند.

عرفات متذکر شده است که مردم فلسطین جنگی را در پیش رو دارند که در آن از عملیات زمینی، بحری و هوایی طیارات جنگی و بم افگن های نوع اف – ۱۶ امریکایی وسیعا به کار خواهد رفت، استفاده میشود.

تبصره

مداخله آشکار دیگری درامور کمپوچیای انقلابی

تلاشهای امپریالیزم ایالات متحده امریکا در تبانی باچین ماتوویست برای انعقاد به اصطلاح «کنفرانس بین‌المللی در باره کمپوچیا» که اخیرا در نیو یورک مقر سازمان ملل متحد، بر خلاف روحیه آن سازمان بین المللی معتبر تشکیل گردید، یکبار دیگر به شدت تمام نشان داد که امپریالیزم دشمن اصلی خلقها بوده و به سادگی اجازه نمی دهد ملتی به‌آرامی‌و در فضای صلح آمیز به کار سازندگی کشور به نفع خلقها بپردازد.

براه انداختن به اصطلاح «کنفرانس بین المللی در باره کمپوچیا» در واقعیت امر مداخله‌گستاخانه وآشکار در امور داخلی کمپوچیا و به منابه تجاوز و دست اندازی به استقلال و تمامیت ارضی مردم کمپوچیا بشمار میرود.

این گونه کنفرانس‌ها که به مفهوم تجاوز و دخالت مستقیم و بی پرده در امور داخلی کشور ها میباشد، بنابر تمایلات هژمونیستی رهبران مرتد پیکنگ و امپریالیستهای واشنگتن برای مقاصد مختلف در منطقه جنوب شرق آسیا و دردرجه اول جهت برگرداندن پروسه انقلابی در کمپوچیا بر پا می شود.

به کمک اینگونه کنفرانس ها، رهبران‌پیکنگ وواشنگتن و بازماندگان گروه های آدمکش پول پوت در پیوند نزدیک باخمر ار تجاعی، همه و همه تلاش میکنند تا مانع ایجاد فضای مذاکرات میان کشور های هندو چین وحوزه جنوب شرق آسیا گردند. بصراحت روشن است که نتایج ناشی از این نشست، واقعیت های حوادث درمنطقه را که روز بروز موقعیت حساس تر بخود کسب می کند. اشکار تر می سازد که درافق وخامت قضایای منطقه را بخوبی میتوان دید.

چیزی بنام مساله‌کمپوچیا که غرب و عظمت طلبان مائوویست سخت بدان چسپیده اند، وجود خارجی ندارد. مساله کمپوچیا، در لحظاتیکه مردم این کشور رژیم خونین پول پوت،دست نشانده پیکنگ، را چون غده کثیف از وجود متحد خویش به دور انداختند و به کار ساختمان مجدد جامعه ویران شده شان آغاز کردند به پایان رسیده بود. از آن تاریخ تاکنون بیشتر از دو سال سپری شده است.

رهبران پیکنگ وواشنگتن تلاش میورزند از سازمان ملل متحد بمثابه وسیله یی برای دنبال کردن مقاصد واهداف برتری جویانه خویش استفاده نمایند و از رژیم سرنگون‌شده وجنایت‌کار پول پوت که در مدت کمتر از چهار سال سه میلیون انسان زحمتکش کمپوچیا را به وحشیانه ترین شیوه‌ها به قتل رسانید و کشور را به‌ویرانه تبدیل نمود، پشتیبانی می کنند. رهبران چین و امریکا که دشمنان اصلی مردم کمپوچیا میباشند، به این نکته پی برده اند که زمان دیگر به مذاق خواستهای شان موافق نیست.

مردم کمپوچیا اکنون به مفهوم دقیق کلمه، صاحب کامل حقوق سر زمین و سرنوشت خویش اند و آزادانه حق دارند مسیر سرنوشت خویش را به اراده خویش طی کنند. مردم کمپوچیا درین مدت کوتاه در امر ساختمان جامعه نوین در تحت رهبری حزب انقلابی مردم کمپوچیا به موفقیت ها و پیروزیهای چشمگیری نایل آمده اند و روز بروز در عرصه جهانی بر پرستیژ بین المللی این کشور افزوده شده میرود.

به اصطلاح «کنفرانس بین المللی در باره کمپوچیا» که زادهٔ مغز علیل امپریالیزم و مائوئیزم میباشد، تلاشهای تازه این نیرو های ارتجاع بین المللی رانشان میدهد که لبهٔ تیز آن متوجه زحمتکشان کمپوچیا بوده‌و میکوشند تا از تامین فضای صلح و امنیت در منطقه جنوب شرق آسیا جلو گیری کنند.

پروسه توقف نا پذیر انقلاب در کمپوچیا راه خود را پیروزمندانه به‌جلو می کشاید و هیچ نیروی اهریمنی قادربه باز داشت این میلیونها انسان مصمم کمپوچیا که در راه ساختمان مجدد زندگی گام گذاشته اند، نیست.

و. وخشور

درجستجوی ایدیولوژی

(برخی جنبه‌های مفاهیم بورژوایی «بازسازی ایدیولوژی»)

قسمت چهارم

نمونه روشنی در این‌زمینه رساله ایست که از طرف بیلس مانینگ رئیس شورای روابط فرهنگی که یکی از بانفوذ ترین «مشاورین با تجربه ودانش ویژه» برای فورمولبندی سیاست‌خارجی ایالات متحده امریکا است که درسال ۱۹۷۶ انتشار یافت.

مانینگ بر آن است که وی رساله اش را با توجه به این نظر شیوع یافته که ملت امریکا احساس ملی و هدف ایدیالوژیکی خود را از دست داده نگاشته است. وی نتیجه گیری می کند که در وضع حاصله. پرابلم های واقعی سیاست خارجی ایالات متحدهٔ امریکا به «سیاست های معمول» که آن هم حل پراگماتیک روز بروز موضوعات است خلاصه‌نمی شود. زندگی برخی از پرابلم های الحاقی را که با نتایج متوقع، کنترول و تاکتیک ها، ارزش هاو غیره ارتباط دارد مطرح می کند. این پرابلم ها، همانسان که وی ارائه میدارد دارای «محتوای ایدیالوژیکی» است. مانینگ عقیده داردکه این تنها قرن بیستم است که «عناصر نوینی» را در روابط بین المللی معمول داشته است یعنی مبارزه بر سر پرنسیپ های «درست» بر پایه ایکه توزیع اقتصادی میان «انسان و جامعه»باید عملی گردد و «روابط مالکیت میان فرد و جمع، که دولت» آنرا تعیین میکند. دشوار نیست مشاهده نمود که مانینگ بر سر پرنسیپ های سوسیالیزم و سرمایه داری وبه مبارزه ایدیالوژیکی اشاره میکند. از نظر وی، چنین‌عرصه‌های‌اساسی فعالیت های بین المللی ایالات متحده امریکا مانند سیاست‌این‌کشور در قبال کشور های رو به انکشاف، حمایه محیط زیست، استفاده از فضای خارجی و ابحار و بر خورد به موسسات بین‌المللی همچنان «محتوی ایدیالوژیکی» دارند. مساله این نیست که چه محتوی (ایدیالوژیکی) در سیاست خارجی باشد بلکه این است که چطور «این اجزا ترکیب کننده ایدیالوژیکی» باید بطرز قابل ملاحظه افزایش داده شود و یا به عنصر مسلط در آن تبدیل گردد.

اما آیا کدام ((اجزای ترکیب کننده‌ایدیالوژیکی)) سنگ‌های بنیادی سیاست خارجی ایالات متحده امریکا را شکل دهد تا پیروزی آنرا فراهم گرداند؟ مانینگ پاسخ قانع کننده برای این مساله اساسی نمی یابد.

ولی وی میداند که اجزای ترکیب کننده ایدیالوژیکی در سیاست خارجی ایالات متحده امریکا تنها زمانی می تواند پایدار باشد که افکار عامه امریکا آنرا پشتیبانی کند. اما در ((اوضاع‌کنونی کدام خواست ایدیالوژیکی رضایت رادر اذهان عامه‌امریکا ایجاد خواهد نمود»، مانینگ در زمینه توقف کرده و صرف پیشنهاد برگشت به ارزش های ((سنتی)) امریکایی و مقدم بر همه ((اقتصاد بازار آزاد)) و ((آزادی فردی)) را ارایه می کند.

اما در عمل رجعت به‌افکار ((اقتصاد بازار آزاد)) به چه معنی است؟ رد کردن مداخله دولت در تنظیم اقتصادی و یا به سخن‌دیگررد سرمایه انحصاری دولتی؟

درسالهای اخیر در غرب شمارهٔ افرادیکه مشتاق اند بیرامون این مطلب بحث کنند رو به افزایش است.

تعداد این افراد با ورود رئیس جمهور ریگن به قصر سفید، کسی که بارها بیان نمود که ((تنظیم‌مفرط)) زندگی اقتصادی از طرف حکومت‌علت‌عمده ((انتخاب)) در اقتصاد ایالات متحدهٔ امریکا است، بیشتر گردیده.

تمایلات مشابه در نزد حکومت محافظه کار انگلستان موجود است، حتی در بن، در دههٔ هفتاد حکومت ائتلافی سوسیال دموکراتها ودموکراتهای آزاد شدیداً نظم انحصاری دولتی را به حرکت در آوردند. اکنون در این کشور گفتگو هایی در باره ضرورت کاهش دادن وظیفه تنظیم کننده دولت و مقدم بر همه کاهش تخصیصیه های دولت برای نیازمندی های زحمتکشان موجود است.

مشکل نیست تا دلایلی را که در عقب این چنین تمایلات موجود است نفهمید: جدا از اینکه انحصارات دولتی از مصایب اقتصادی جلو گیری نکرد بلکه آنرا به شدت خرابتر نمود. تیوری های کینز در زمینه بهبود بخشیدن وبه حرکت در آوردن اقتصاد از طریق مداخله دولت که از سالهای ۱۹۳۰ در اقتصاد سرمایه داری تسلط داشت اکنون ناموثریت کامل خود را نشان‌میدهد.

(باقیدارد)

تکنیک درزراعت

برداشت محصول با آخرین وسایل تکنیکی، ضامن تسریع عمل میگردد.این تصویر یکی‌از کوپراتیف های زراعتی ایالت موراویایی چکوسلواکیا را نشان میدهد. این کوپراتیف ٤٥٨٥ هکتار مساحت دارد.

پدران و پسران:

سپاهی انقلاب

این بار بخاطر مصاحبه بایکتن از سپاهیان انقلاب راهی محلی میشوم که دسته یی از آنها در آنجا اقامت گزیده و به وظایف انسانی شان مشغول اند.

اولین سپاهی ایکه با او سر صحبت را باز میکنم، مرد نسبتاً سالخورده یی است که در سیمایش و نگاههای زمانه دیده اش، شجاعت غرور، سربلندی وانسانیت موج میزند.

از همه اولتر، زیادی سن او برایم جالب است و نخستین پرسشش را در همین مورد ازاو بعمل می آورم.

او قد بلند و اندام قوی دارد. فرور فتگی گونه ها و موهای سفید سرش او را مرد سالخورده یی مینماید، مگر هیچ اثری بجز شجاعت و توانایی و احساس مردمی در او به مشاهده نمی رسد. نامش سردار محمد است از او ضمن صحبت میخواهم بگوید که چند ساله است.

با این پرسشش، تبسمی نقشش لبانش میشود و می گوید: «هنوز پیر نشدیم...» میگویم، بجوانی شما باور دارم بانهم اگر بگوید...

با تاکید پرسشش من، اینبار مجبور میشود تا بگوید چند ساله است. کمی بخود فرو می رود و می اندیشد گویی بدوران بچگی اش فکر میکند. دورانیکه عشق میهن و مردمش تازه در دلش آتشش افروخته بود، بزمانیکه قدرتمندان مستبد و سیه اندیشان کهنه کار، وطنپرستان را به جرم وطنپرستی و عشق به میهن بگونه گونه شکلها می کشتنند و یاراهی زندانها مینمودند...

لحظه یی بعد تفکرش به پایان میرسه و میگوید: «... پوره بخاطر ندارم که چند ساله هستم، مگر میتوانم بگویم که از شصت الی شصت و پنج زیاد هستم.»

متاهل است و دو پسر دارد که با غرور وطنپرستی و احساس مردمی درحالیکه کمی جدی تر میشود درباره آنها میگوید: «در زندگی دو پسر دارم بنامهای داود و پاچاخان که همین حالا داوطلبانه در جملهٔ سپاهیان انقلاب در یکی از ولایات کشور به انجام وظایف شان مصروف اند.»

اینکه در مقابل خود مردی را می بینم که مانند دو پسر جوانش دلیرانه و خستگی ناپذیر در گروه های سپاهی انقلاب به دفاع ازمرام انسانی و شرافتمندانه انقلاب برخاسته است، از تحسین نمیتوانم خود داری کنم.

از رفیق سردار محمد میپرسم، پسرانتان چند ساله اند؟

دستش را بسوی یکتن از رفقایش که او هم سپاهی انقلاب است و چون ستاره یی تابنده درجمع رفقایش میدرخشد، در از کرده و او را بمن نشان میدهد، میگوید: «بسن همان رفیق میباشند.» هردو به طرف آن جوان مینگریم، تازه جوان دلیر و شجاع به نظر می رسد، در ردیف رفقایش ایستاده است و شعار می دهد: «ما پیروز میشویم! نابود باد دشمنان انقلاب و میهن!» با اظهار تشکر صمیمانه ازرفیق سردار محمد جدا میشوم و میخواهم صحبتی بارفیق تازه جوان به عمل بیاورم. پیشش میروم و به پهلویش می ایستم. در حالیکه در جمع کثیری از سپاهیان انقلاب شجاعانه ایستاده است با اظهار معذرت از او میخواهم خود را معرفی نماید.

او که در نگاه هایش حماسه وشجاعت موج می زند میگوید: «سید اسماعیل سپاهی انقلاب». او، جملهٔ «سپاهی انقلاب» راجز جدایی ناپذیر نامش میداند و هرگاه از او نامش را پرسان کنید حتماً بشما میگوید: «سید اسماعیل سپاهی انقلاب»

احساس و علاقه او به میهن اش و غرور وطندوستی و مردمی اش او را جوان واقعاً شجاع واز خود گذر معرفی میکند، میابم که تاپای جان در وظیفه اش ادامه خواهد داد.

سید اسماعیل که سر تا پا در گفتارش از میهن و مردم صحبت میکند، به گفته خودش (شانزده)سال دارد و در صنف هشتم مکتب شامل است.

دیگران هم در حالیکه با لباس های مخصوص ملبس اند، مانند سربازان دلیر قوای مسلح قهرمان کشور غنی از تکتیک های نظامی آمادهٔ هرگونه تلاشش در راه تبلیغ اهداف انسانی انقلاب ثور و مرحلهٔ نوین تکاملی آن و دفاع در برابر حملات بیشرمانهٔ دشمنان شرف و ناموس کشور بایك نظم درست سرگرم وظایف شان دیده میشوند.

دهناد



سید اسماعیل(ازراست اول) چنان به کلمات «سپاهی انقلاب» پیوند یافته که آن را جز نامش میداند.



سردار محمد (اول از طرف راست) با آنکه به ظاهر پیر می نماید ولسی با اراده قوی وپولادین در برابر دشمنان انقلاب قرار گرفته است.

خبرهای کوتاه

ویداتاکو می عضو پارلمان جاپان و مسوول روابط بین المللی حزب سوسیالیست آنکشورو هیات همراهانش بعد از انجام یک مسافرت دوستانه پریروز از کابل عزیمت کرد.

در میدان هوایی بین المللی کابل رفیق محمود بریالی عضو علی البدل بیروی سیاسی و منشی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان نماینده وزارت امور خارجه و نماینده سفارت کبرای جاپان در کابل با هیات وداع کردند.

* * *

شهادتنامه های فارغان کورس میدیکل ریکارد تکنیشن در جهت بهبود بخشیدن سیستم راپوردهی موسسات صحی و شفاخانه های مرکز وولایات طی مراسمی توسط معین دوم وزارت صحت عامه در تالار کتابخانه ریاست طب وقایوی توزیع گردید.

درین کورس که سه ماه قبل دایر شده بود چهل نفر از مامورین موسسات صحی و شفاخانه ها اشتراك داشتند. تدریس این کورس توسط استادان داخلی وخارجی صورت گرفته است.

* * *

کارت های عضویت اتحادیه ژورنالستان پریروز طی مراسمی باعضای سازمان اولیه اتحادیه ژورنالستان رادیو افغانستان توزیع گردید.

اتحادیه ژورنالستان را در رادیو افغانستان (۴۵) نفر تشکیل می دهد.

(ب)

بازگشت به آغوش وطن

طبق گزارش یك منبع قوماندانی عمومی قوای سرحدی "هشتاد فامیل دیگر از هموطنان ما که به اثر تبلیغات دشمنان وطن مجبوربه ترك وطن گردیده بودند اخیراً از طریق ولایت نیمروز بخانه هایشان باز آمده و زندگی عادی خویش را از سر گرفته اند.

از ایشان هنگام ورود به خاك مقدس شان افسران و سربازان قوای سرحدی بگرمی استقبال بعمل آورد.

اشتراك در کنفرانس مواد خوراکه جهان

هیات وزارت زراعت و اصلاحات ارضی جمهوری دموکراتیک افغانستان تحت ریاست عبدالحکیم معین سرپرست آن وزارت که چندی قبل جهت اشتراك درهفتادو نهمین جلسه شورای موسسه زراعت ومواد خوراکه جهان منعقده روم به ایتالیا رفته بود به وطن باز گشت.

هیات در جلسات این کنفرانس در مورد وضع موجوده زراعت افغانستان به نمایندگان ممالك عضو مفصلا توضیحات داد واز همکاری های دوامدار موسسه زراعت و خوراکه جهان اظهار قدردانی نمود.

هیات در مورد اخذ کمك های بیشتر این موسسه با مدیر عمومی زراعت و خوراکه جهان مذاکره نموده ودر نتیجه آمر موسسه مذکور وعده هرگونه همکاری را در مورد اعمار پروژه های آینده زراعتی کشور به هیات ابراز نمود.

هیات بعد از ختم کنفرانس نظربه دعوت موسسه تخنیکی ایتالیایی رستینتال، از فابریکه ها، فارمها و کوپراتیف های زراعتی دیدن کرده و در باره امکانات خریداری یك تعداد ماشین آلات کوچك زراعتی افرها را اخذ نمود.

هیات همچنان دراین سفر بعضی از دستگاه های مورد ضرورت را خریداری نمود. (بنم)

در راه دفاع از انقلاب

قوای امنیتی کشور گروهی از اجیران گوش به فرمان امپریالیزم و ارتجاع را که در مربوطات ولایت بغلان دست به آدمکشی، چوروچپاول میزدند اخیراً درقریه چلازایی سرکوب ساخت.

یك منبع قوای امنیتی ولایت بغلان اطلاع داده است که از نزد این خرابکاران و رهزنان سلاح مختلف النوع چینایی و پاکستانی با یکتعداد اوراق مطبوع شان که ارتباط شانرا با باند های ضد انقلاب درخارج ثابت میسازد بدست آمده است.

جنایتکاران به سزای اعمال ننگین شان رسیدند

یك منبع ریاست محکمه اختصاصی انقلابی خبر میدهد که یکعده جنایتکاران حرفه یی و دهشت افگن که به جرایم ترورو غارت گری، دزدی و غصب اموال دولت و مردم شرافتمند افغانستان و اختطاف کودکان بیگناه متهم بودند، پس از محاکمه عادلانه مطابق باحکام قانون وموازین دموکراتیك باعدام محکوم شده بودند، اخیراً با پیروی و رعایت از حکم ماده «۵۸» اصول اساسی جمهوری دموکراتیك افغانستان به سزای اعمال ننگین شان رسانیده شدند.

این جنایتکاران عبارت اند از:

الله محمد ولد فقیر محمد ساکن میربچه کوت پاینده آهنگر ولد فقیر محمد ساکن ولایت بلخ و حسن ولد محمد انور ساکن نهر شاهی ولایت بلخ.

(ب)

بقیه ص اول

نبردی در چاشتگاه ...

اولادایمه نان آورماره، خوشی ماره و زندگی ماره. با مرگ پدر اولادایم، همه ماموردیم مه ای آدمکشه نشانی کده بودم دست راستش چار انگشت داشت اوره زنده نمانین. خودش اس.»

وسربازان ما ازین صحنه ها زیاد می بینند: «میگوید کسی اشراره یاری نمی کند. مردم از آدمکشان نفرت دارن مردم روزای بسیار بده دیدن. صحنه های جگر خراشه دیدن».

شیخ احمد درین گیرو دار یکی از رفقای خود را گم کرد. او در هیچ جا نبود «آیا اوره کشتن؟» واین کلمات بود که پشت سرباز دلیر رالرزانده «اگه اوره کشته باشن مه یك رفیق بسیار خوب خوده بسیار دلاور خوده از دست دادیم». آفتاب به نیمه آسمان رسیده بود و شیخ احمد بعد از سرکوب یك باند ضد انقلاب در حالیکه، زبان در حلقش خشکیده بود. بدر خانه یی آمد و آب خواست. دختر کی دزد کی از درز در نگاهش کرد و بعد چیزی بمادر گفت مادر خوش شد بلند بلند گفت «ببر هر چی که ده خانه داریم» وشیخ احمد خوش بود ازینکه مردم سربازان را دوست دارند و بعد صدای فضای داغ راپر کرد: «اوره بکشین، اشراره زنده نمانین ماره تباه کدن، زندگی ماره ...» و شیخ احمد خودش رابه آنجا رسانید در آنجا آدمکشان ده تن بودند و او توانست شش تن آنها را از پا در آورد. آن چهار دیگر در حالت فرار کسی را با خود روی شانه میبردند ووقتی صدای فیر دوباره در فضا پیچید آن یکی را که بالای شانه داشتند بر زمین گذاشتند وآنوقت آواز خفیفی بلند شده مه زنده استم و شیخ احمد آنچه را که میدید باور نمیکرد رفیق گمشده اش که سراپا خونین و ریسمان پیچ شده بود. آنها این سرباز دلیر را به قتلگاه خود میبردند که این همه اتفاق افتاد و آن سرباز خودش هم نمیدانست که چگونه غافلگیر شده بود.

او تنی چند از آدمکشان را از پا در آورده بود. و اکنون که پای صحبتی شیخ احمد نشسته ام ازینکه رفیق همرزمش را از یک مرگ ناگهانی رهانیده است. به خودمی بالد او در چندین عملیات دست داشته وهر بار موفقانه برگشته است.

احساس پاك او نسبت به هم میهنانش بهترین و برنده ترین حربه ایست در سنگر داغ نبرد.

او راهش را، مردمش را و انقلابش را دوست دارد واین نامهای جدا ناشدنی با خونش آمیخته اند، با احساسش و با غرورش. زندگی این قهرمانان نمونه وار است زیرا که عشق به مردم در ژرفنای قلب های تپنده شان روز تاروز جوانه میزند. هیچگاهی عقب نشینی نمی کنند دلیرانه پیش میتازند و مرگ در زیر گام های استوار شان محو میگردد. آنها از نزد یك مردم از پهلوی مردم میگذرند و قلب ها را امید می بخشند.

مور چل


شیخ احمد سربازیست که عشق بمردم در ژرفنای قلبش ریشه دوانیده است.

معلومات

تلویزیون

سه شنبه
- ۵ر۳۳- پروگرام کودك بافلم کارتونی
- ۶ر۰۰- پروگرام کارگر.
- ۶ر۳۰- موسیقی جوانان
- ۸ر۳۰- سریال تلویزیونی.

چهار شنبه
- ۵ر۳۳- پروگرام اطفال بافلم کارتونی.
- ۶ر۳۰- راپور علمی
- ۷ر۰۵- پروگرام خاص رمضان
- ۸ر۳۰- پاسخ چیست

رادیو

سه شنبه
- ۶ر۳۰- ارمغان سحر
- ۷ر۱۵- نظری به مطبوعات
- ۹ر۳۰- تعلیمات رادیویی
- ۱۰ر۵ - موسیقی برای جوانان
- ۴ر۳۰- دسرباز غږ
- ۹ر۰۰- ترازوی طلائی

چهار شنبه
- ۶ر۳۰- سهارنی پیغام
- ۱۰ر۵- گلیوالی سندری او نغمی
- ۴ر۵- علمی خپرونه
- ۹ر۰۰- پروگرام جوانان

تیلفون

مراکز حزبی

کمیته مرکزی ح.د.خ.ا- ۲۵۷۴۱
کمیته شهری کابل - ۲۳۵۴۳
کمیته ولایتی کابل ۲۶۶۸۴

نواحی حزبی

ناحیه اول (الف) ۲۰۸۲۷
ناحیه اول (ب) ۲۴۷۶۲
ناحیه دوم ۳۰۰۷۵
ناحیه سوم ۲۳۳۷۴
ناحیه چهارم (ب) ۴۲۲۷۸
ناحیه پنجم ۳۰۸۵۰
ناحیه ۶-۷-۸ - ۲۱۸۹۲
ناحیه ۹- ۱۰ ۲۲۳۵۷
ناحیه ۱۱ - ۳۱۶۵۱
ناحیه ۱۲ - ۴۱۸۵۲
ناحیه پوهنتون ۴۲۳۵۹
سازمان دموکراتیک جوانان - ۲۳۰۵۳
سازمان دموکراتیک زنان ۲۴۵۸۰
شورای مرکزی اتحادیه های صنفی ۲۳۰۴۰
شورای مرکزی اتحادیه کوپراتیف های زراعتی ۳۰۸۴۷

ماموریت های ځارندوی

ایوبخان ۴۲۶۰۰
شهر نو - ۳۲۳۸۸
سیدنور محمد شاه مینه - ۲۱۲۵۱
کارته چار - ۴۱۴۰۰
اطفائیه- ۱۳

شفا خانه ها

شفاخانه وزیراکبر خان- سوچبورد- ۲۶۷۵۱- سرویس عاجل ارتباطی ۴۸
شفا خانه علی آباد- سوچبورد - ۴۰۲۴۴- سرویس عاجل ارتباطی ۹۱
شفاخانه ابن سینا- سرویس عاجل ۲۲۰۵۱
شفاخانه چهار صدبستر- سوچبورد -۲۲۱۴۴- سرویس عاجل ارتباطی ۳۱۵
شفاخانه جمهوریت - سوچبورد- ۲۶۲۴۹

زیر نظر هیات تحریر
مدیر مسوول: محمود بریالی
تیلفون: ۲۰۸۴۰

آدرس: روبروی وزارت امور خارجه
صندوق پستی: ۷۸۰
حساب بانکی: ۱۰۱۸ بر ۹
تیلفونها:
معاون: ۲۳۱۰۹
سکرتریت ۲۳۳۸۴-۲۲۶۵۹
اداری: ۲۴۵۷۵
شکایات توزیع ۲۶۸۵۹
- صبح روزهای یکشنبه سه شنبه و پنجشنبه نشر می شود.
قیمت دو افغانی
چاپ ویب آفسیت مطبعهٔ دولتی